

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از : مون او آلاباما- ۹ جون ۲۰۲۲*
برگردان: سایت «۱۰ مهر»
۲۷ جون ۲۰۲۲

حال واشنگتن با شکست در اوکراین، به دنبال مقصر می‌گردد



من حتی یک لحظه باور نمی‌کنم که سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده نمی‌دانند در اوکراین و کیف چه می‌گذرد. آنها می‌دانند که اوکراین در جنگ شکست خورده است و باید هرچه زودتر به دنبال صلح باشد. آنها همچنین به کاخ سفید این واقعیت را اعلام کرده‌اند و گفته‌اند کلاً طرح استفاده از اوکراین برای تحریک خرس روسی از ابتداء احماقانه بود. اکنون سؤال این است که چه کسی تقصیر این خطا را به عهده خواهد گرفت، و گناه آن به گردن چه کسی می‌افتد؟

نیویورک تایمز مطلبی عجیب از طریق یاهو منتشر کرده است. در این مطلب به عدم وجود اطلاعات در مورد هواپیماهای اوکراینی اشاره می‌شود:

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، تقریباً همه روزه از طریق رسانه‌های اجتماعی، اخبار حملات روسیه را به روزرسانی می‌کند. ارسال ویدیو با تبلیغ کارآمدی سلاح‌های غربی مورد استفاده نیروهای اوکراینی، بسیار رواج دارد. در پنتاگون نیز مرتباً جلساتی برای گزارش در مورد آخرین تحولات جنگ برگزار می‌گردد. با وجود انتقال این همه اخبار به مردم، بنابه گفته مقامات فعلی و سابق سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده چندان اطلاعات دقیقی از عملیات ارتش اوکراین در دست نیست و در مقایسه، آنها تصویر بسیار بهتری از ارتش روسیه، برنامه‌ریزی عملیات، موفقیت‌ها و شکست‌های آن در اختیار دارند.

دولت‌ها اغلب برای حفظ امنیت عملیات نظامی، اطلاعات آن را از مردم پنهان می‌کنند. اما این فقدان اطلاعات کافی می‌تواند تصمیم‌گیری در مورد چگونگی تخصیص میلیاردها دلار کمک‌های نظامی به اوکراین را برای دولت بایدن دشوارتر کند. آوریل دی هاینس، مدیر سازمان اطلاعات ملی طی یک جلسه توجیهی سنا در ماه گذشته، چنین اظهار داشت: «بسیار دشوار است که بگوئیم» اوکراین چه مقدار کمک اضافی می‌تواند جذب کند.

وی افزود: در واقع، ما در مورد روسیه اطلاعات بیشتری نسبت به طرف اوکراینی داریم. سؤال کلیدی این است که زلنسکی قصد دارد چه اقداماتی در دونباس انجام دهد؟ اوکراین در آنجا با یک انتخاب استراتژیک روبه‌رو است: خروج نیروهای خود یا خطر محاصره آنها توسط روسیه. آندری مارتیانوف درباره این مطلب با عصبانیت می‌نویسد:

خوب، بالاخره نیویورک تایمز تصمیم گرفت که از روایت روسیه «سرگردان در اوکراین» که هم‌صدا با دیوانه‌های نئومحافظه‌کار تبلیغ می‌کرد، فاصله گرفته، و شروع به زمزمه ترانه مشهور «شکست، ناشی از خطای سازمان‌های اطلاعاتی بود» کرده است.

مقامات می‌گویند که ایالات متحده تصویر واضحی از استراتژی جنگ اوکراین ندارد.

صحیح! باید به‌صراحت بگویم - ایالات متحده هرگز تصویر روشنی از هیچ چیز، به‌خصوص در مورد روسیه و یا [عملیات نظامی ویژه] نداشته و در این مورد خاص کاملاً تبلیغات اوکراینی‌ها را پذیرفته است. این امر نشانگر بی‌کفایتی کامل نهادهای اطلاعاتی در ایالات متحده است... روایت [عملیات ویژه نظامی]، در واقع روایتی مرده است، که قبلاً هم سابقه داشته. دیگر مهم نیست که چگونه این صورت‌گریه را مشاطه کنند، کار از کار گذشته است.

لری جانسون اما معتقد است که انگیزه دیگری در پشت این داستان وجود دارد:

صادقانه بگویم، برای من سخت است که باور کنم تحلیلگران دقیقی در آژانس اطلاعات وزارت دفاع وجود ندارند که پاسخ همه این سؤالات را بدانند. احتمالاً مشکل واقعی کمبود هوش نیست.

گفتن حقایق سخت به سیاستمدارانی که حاضر به شنیدنشان نیستند، جرأت می‌خواهد.

با توجه به میلیاردها دالری که ایالات متحده برای نهادهای جمع‌آوری «اطلاعات» هزینه می‌کند، زمان آن فرارسیده است که کنگره و مردم آمریکا از سرویس‌های اطلاعاتی بخواهند کار خود را درست انجام دهند.

من حتی یک لحظه باور نمی‌کنم که سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده نمی‌دانند در اوکراین و کیف چه می‌گذرد. آنها می‌دانند که اوکراین در جنگ شکست خورده است و باید هرچه زودتر به‌دنبال صلح باشد.

آنها همچنین به کاخ سفید این واقعیت را اعلام کرده‌اند و گفته‌اند کلاً طرح استفاده از اوکراین برای تحریک خرس روسی از ابتداء احمقانه بود. اکنون سؤال این است که چه کسی تقصیر این خطا را به‌عهده خواهد گرفت، و گناه آن به‌گردن چه کسی می‌افتد؟

همانطور که آندری می‌گوید، همیشه این گزینه برای سیاستمداران وجود دارد که سازمان‌های جاسوسی و اطلاعات دریافتی از آنان را مقصر نشان دهند. زمانی که پوچ بودن ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی به‌عنوان دلیل حمله به عراق، بر ملا شد، مدافعان حمله از همین بهانه برای توجیه خود استفاده کردند.

اما نیویورک تایمز، به جای ملامت سازمان‌های جاسوسی، تقصیر را به‌گردن زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین می‌اندازد: «او در مورد موقعیت بد کشورش، به ما اطلاعات درستی نداد.»

زمان تیرئه خود است و با توجه به شهرت زلنسکی در «غرب»، می‌توان او را به‌عنوان مقصر شکست در جنگ معرفی کرد.

در ۳۱ ماه مه، کمیسیون روابط خارجی، همراه با رئیس آن ریچارد هاس، در مورد وضعیت جنگ در اوکراین جلسه‌ای علنی داشت. یکی از شرکت‌کنندگان، معاون سابق فرماندهی ایالات متحده آمریکا در اروپا، استفان ام تونیتی بود. او با آگاهی کامل، آشکار و بی‌پرده می‌گوید که جنگ در چه موقعیتی است:

تونیتی: من فکر می‌کنم در جنگ دونباس، ورق دارد به‌نفع روس‌ها بر می‌گردد. به نقشه پیشروی آنها نگاه کنید و من به‌ویژه در مورد بخش شرقی دونباس صحبت می‌کنم - روس‌ها همه نیروی جنگی خود را بر روی دونباس و از میان بردن همه شهرهای آن متمرکز کرده‌اند. حال این شهر چه رویژن باشد و چه لیمان، آنها در حال حاضر در سیویرودونتسک (۱) و لیسینسک (۲) نیز درگیرند، و در حال نابودی این دو شهر خاص هستند، و به‌همین ترتیب پیش می‌روند.

آنها تنها با یک بخش از قدرت رزمی از نیروهای پیاده نظام و تانک‌ها حمله نمی‌کنند. آنها تمام قدرت توپخانه را به‌کار گرفته و مانند ماریوپل رفتار می‌کنند و این گونه است که پیشرفت می‌کنند.

هاس: ... پس چرا [سیاست‌هایمان] را تغییر نمی‌دهیم؟ جنرال تونیتی، آیا رئیس‌جمهور چیزی گفته است؟ آیا روش‌هایمان را باید عوض کنیم؟ یا شما توصیه‌هایی دارید؟

تونیتی: خُب، وقتی من به این موقعیت نگاه می‌کنم، می‌دانید، آستین وزیر دفاع اعلام کرده که هدف ما تضعیف روسیه است. اما باید واقعاً معنی تضعیف را تعریف کنیم. من به آموزه کالین پاول اعتقاد راسخ دارم - این که شما باید در مقابله با یک دشمن خاص با حداکثر قدرت روبه‌رو شوید. اما در حال حاضر، وقتی به اوکراین و روسیه نگاهی بیندازید، آنها تقریباً یک به یک هستند. با این تفاوت که روسیه نسبت به اوکراینی‌ها قدرت رزمی بسیار زیادی دارد.

و بنابراین هیچ‌گونه امکانی وجود ندارد که اوکراینی‌ها بتوانند روس‌ها را شکست داده و یا نابود کنند. و بنابراین ما باید واقعاً معنای تضعیف در آخر را مشخص کنیم. ریچارد! همچنین از من به شما نصیحت، بدانید که اوکراینی‌ها هرگز قدرت رزمی کافی برای بیرون راندن روس‌ها از اوکراین را نخواهند داشت. و این به معنای خاتمه بازی است.

در ادامه بحث با سایر شرکت‌کنندگان، نتایج بالقوه مورد نظر ایالات متحده، مطرح شد. از آن جمله امکان بازگشت اوکراین به وضعیت قبل از سال ۲۰۱۴.

سپس تونیتی توضیح می‌دهد که چرا همه این ایده‌ها خیالی هستند و آنچه به‌جای همه آنها لازم است مذاکرات فوری است:

تونیتی: بله، ریچارد! من چند نکته را باید توضیح دهم: به آنچه شما گفتید رجوع می‌کنم. بازگشت به قبل از ۲۰۱۴ مطرح شد، می‌خواهم در مورد آن فکر کنید، زیرا من وقت داشتم که در زمان گوش دادن به اظهارات دیگران به آن فکر کنم و این است نظر من: ریچارد می‌دانید من از کالج ملی جنگ یاد گرفتم که مفاهیمی چون اهداف، راه‌ها و وسایل وجود دارد.

بنابراین، اگر این وضعیت نهائی - قبل از ۲۰۱۴ - مورد نظر شما باشد، پس من علاقه‌مندم که راه‌ها و وسایل آنرا بدانم، زیرا از نقطه نظر نظامی، اگر این راه‌حل باشد، باید دید آیا اوکراینی‌ها، توانایی انجام آن را دارند که اوضاع را به قبل از ۲۰۱۴، بازگردانند؟ اما جواب این است که آنها فاقد این توانایی هستند. آنها قدرت جنگی ندارند.

و همچنین می‌خواهم به شما یادآوری کنم که ما در مورد تلفات و تلفات روسیه زیاد می‌شنویم. اما در مورد تلفات اوکراین خیلی کم خبر داریم و به‌خاطر داشته باشید که آنها نیز در طول این جنگ سرباز از دست می‌دهند. آنها با حدود دویست هزار شروع کردند. و امروز چه کسی می‌داند که آنها چند نفرند؟

بنابراین جذب نیرو و حفظ کیفیت حرفه‌ای افراد در آن ارتش دشوار است. پس این اولین نکته من است. هدف، راه‌ها و ابزارها، آن‌ها فاقد اینها هستند تا بتوانند به قبل از ۲۰۱۴ برگردند.

نکته دومی که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که می‌دانید، همانطور که به جوانب و ابعاد متفاوت درگیری - دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی، و اقتصادی (۳) - نگاه می‌کنیم، ما به‌طرز اسفباری در بخش دیپلماتیک غیرفعال بوده‌ایم. اگر توجه داشته باشید، هیچ دیپلماسی برای تلاش برای رسیدن به‌نوعی مذاکره وجود ندارد؛ و با توجه به جایگاه ما در ذهن پوتین، فکر نمی‌کنم که ما بتوانیم این کار را انجام دهیم.

باید با آرامش به کسانی ببندیشید که احتمالاً می‌توانند بخشی از این تیم مذاکره باشند. من به دو نفر از آنها که در ناتو هستند اشاره می‌کنم: یکی از آنها اوربان رئیس‌جمهور هنگری است. شاید او بتواند در تلاش برای مذاکره کمک کند. دیگری اردوخان رئیس‌جمهور ترکیه است. دوستان دیرینه رئیس‌جمهور پوتین، اگرچه برخی روابط آنها را ناشی از نوعی معامله می‌دانند، که من مطلع نیستم. اما ارزش آن را دارد که این راه را نیز آزمایش کنیم.

کسی مخالف است و پیشنهاد می‌کند که با دادن سلاح‌های بیشتر به اوکراین، می‌توان «زمان بیشتری برای اوکراین خرید». توثیقی این استدلال را رد می‌کند:

توثیقی: چارلی، من صددرصد موافقم. اما من به شما می‌گویم، وقتی به زمان نگاه می‌کنید، اوکراینی‌ها باید با دست بالا و موضع قدرت وارد مذاکره شوند. در حال حاضر آنها در موضع قدرتند، اما مطمئن نیستیم که در صورت ادامه بیشتر جنگ این موضع تضعیف نگردد.

در این صورت آنها توانایی رفتن به میز مذاکره با یک موضع قوی را نداشته و ممکن است از آنچه که در نظر دارند، بیشتر ضرر کنند.

افراد حرفه‌ای ارتش و اطلاعات دقیقاً می‌دانند چه خبر است. اوکراین در حال حاضر در وضعیت بسیار بدی قرار دارد و از اینجا به بعد فقط می‌تواند بدتر شود. آنها منتظرند که خط دفاع مقدم اوکراین شکسته شود. من مطمئن هستم که آنها مانند نظر توثیقی، برای مذاکره فوری با میانجی‌گری هر شخص ثالثی که مایل باشد، مصرند.

اما این نتیجه‌ای نیست که کاخ سفید به‌دنبالش باشد. در واقع این کاخ سفید است که اکنون هر امکان مذاکره‌ای را مسدود کرده است، زیرا اعتراف به شکست در اوکراین به جمهوری خواهان مهمات بیشتری برای ضربه زدن به بایدن می‌دهد. ایو اسمیت نشانه‌هایی را دایر بر برخی مذاکرات پشت پرده مستقیم میان اوکراین و روسیه، مشاهده می‌کند:

ممکن است ما هم در زمان مناسب از این مذاکرات آگاه شویم. اما این پیشرفت، حتی اگر این صحبت‌ها بیشتر در مرحله نظرآزمایی باشد، دلیلی بر این است که زلنسکی در حال از دست دادن قدرت است. به یاد بیاورید که قبلاً صحبت‌هایی در مورد یک کودتای نظامی احتمالی در میان بود. امری معمول است که مقامات ارشد رهبری در حال سقوط، مذاکره با طرف مقابل را به‌خاطر منافع کشور و هم برای افزایش امکان بقای خود، آغاز کنند. انداختن همه چیز به گردن زلنسکی، و بعد حذف او از روی زمین، ممکن است بهترین راه حل برای کاخ سفید و اوکراین باشد.

1-Sievierodonetsk-

2-Lysychansk-

3-Diplomatic, Informational, Military, and Economic (DIME)-